

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

ملاحظات پیرامون ابزارها و سیاستهای توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام

نویسنده: محمدعلی مولایی

استاد راهنما: محمد ابراهیم جناتی

استاد مشاور: حمید ناظمیان

سال تحصیلی: مهر ۱۳۷۱

توصیفگر: ۲۵۵ ص. : جدول ، نمودار. شماره بازیابی ۹۵ الف.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی / ثروت / بازرگانی / مصرف کنندگان / مالیات اسلامی / مالکیت

چکیده:

هدف از این پژوهش ، بررسی ابزارها و سیاستهای توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام است. پایان نامه حاضر که به شیوه کتابخانه ای انجام یافته ، در شش فصل تنظیم شده است . فصل اول تحت عنوان اصول موضوعه به مفاهیم مربوط به اصل عدل و قسط ، اصل توازن ، مفهوم فقر و غنا ، اصول سیاستهای حمایتی اسلام و مفهوم ثروت می پردازد. در فصل دوم ، مالکیت در اسلام و نقش آن در توازن به صورت نظری مورد بحث قرار میگیرد. فصل سوم ، نقش تعدیل کننده مالیاتهای اسلامی را بیان می کند. در فصل چهارم ، جایگاه تجارت و اثرات ناشی از آن بر توزیع و نیز نظارت کنترل حکومت اسلامی بر تجارت مورد بررسی قرار می گیرد. فصل پنجم ، الگوی مصرف فرد مسلمان

را با سایر نظامهای اقتصادی مقایسه می کند و نشان می دهد که ارزشهای حاکم بر مصرف اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم زمینه های توازن را ایجاد می کند. نهایتاً فصل ششم به نتیجه گیری اختصاص دارد. بر اساس یافته های تحقیق ، از نظر اسلام عالیترین مقصودی که تمام برنامه ها و فعالیت های اقتصادی جهت رسیدن به آن باید بسیج شوند ، عدالت اقتصادی و توازن حاصل از آن است. سیستم اقتصادی اسلام ، توزیع را مقدم بر تولید دانسته و معتقد است که هر استراتژی توسعه باید بگونه ای باشد که بر توزیع عادلانه ثروت اثر منفی نگذارد. همچنین معین می گردد که تعدیل همراه با رشد گدر عین حال که مسأله ظرفیت های بهره برداری نشده را حل می نماید ، مقداری منابع جدید تولید میکند که مسأله تعدیل را تسهیل می نماید. این راهبرد دارای ۴ عنصر اصلی است که موجبات هرچه بیشتر توازن را ایجاد می نماید :

۱- حفظ رشد سریع

۲- تثبیت درآمدهای ثروتمندان بزرگی که ده درصد جمعیت را تشکیل میدهند

۳- تغییر مسیر جریان درآمد و منابعی که رشد را نصیب ثروتمندان می نماید ، به سوی

اشکال مختلف سرمایه گذاری

۴- تخصیص این سرمایه گذاری به نحوی که ۴۰ درصد از فقیرترین سطح جمعیت را

بهره مند سازد. با بررسی نظام مالیاتی اسلام مشخص می گردد که این نظام بگونه ای زیبا علیرغم چهار

اصل عدالت ، سهولت ، صراحت و صرفه جویی ، ویژگیهایی نظیر بازدهی خالص و مولد بودن مالیات را

دارا بوده و از آنجا که مستقیماً عاید نیازمندان میگردد ، علیرغم افزایش سطح زندگی آنان ، میل نهایی

به مصرف را افزایش می دهد و به علت وجود زکات ، خمس و حذف بهره ، باعث کاهش شکاف سرمایه

گذاری می شود که این خود موجبات تعادل و توازن را هر چه بیشتر فراهم می نماید . علیرغم یکسری

محدودیتهای کسب که در تصحیح نظام تجارت و سوق دادن آن به سمت ارزشهای اسلامی موثر است ،

قیود و ضوابطی در مرحله تولید ثروت یعنی هنگام مبادله و تجارت وجود دارد که در جلوگیری از تمرکز

ثروت نقش بسزایی دارند که می توان حرمت احتکار، ربا، غش و تقلب و حرمت کنز را نام برد. رضایت خاطر افراد یا به عبارت دیگر حداکثر مطلوبیت فرد مسلمان مجموع رضایت خاطر حاصل از مصارف شخصی و رضایت خاطر حاصل از مصارف اجتماعی را در بر می گیرد و ارتباط بین رضایت خاطر افراد ، مبنای مصارف اجتماعی وانفاق می گردد و هر اندازه اینگونه تفکر و رفتار در جامعه گسترش یابد ، فاصله طبقاتی بین دو قشر فقیر و غنی کاهش یافته ، توازن ثروت در حوزه وسیعتری گسترش می یابد.